



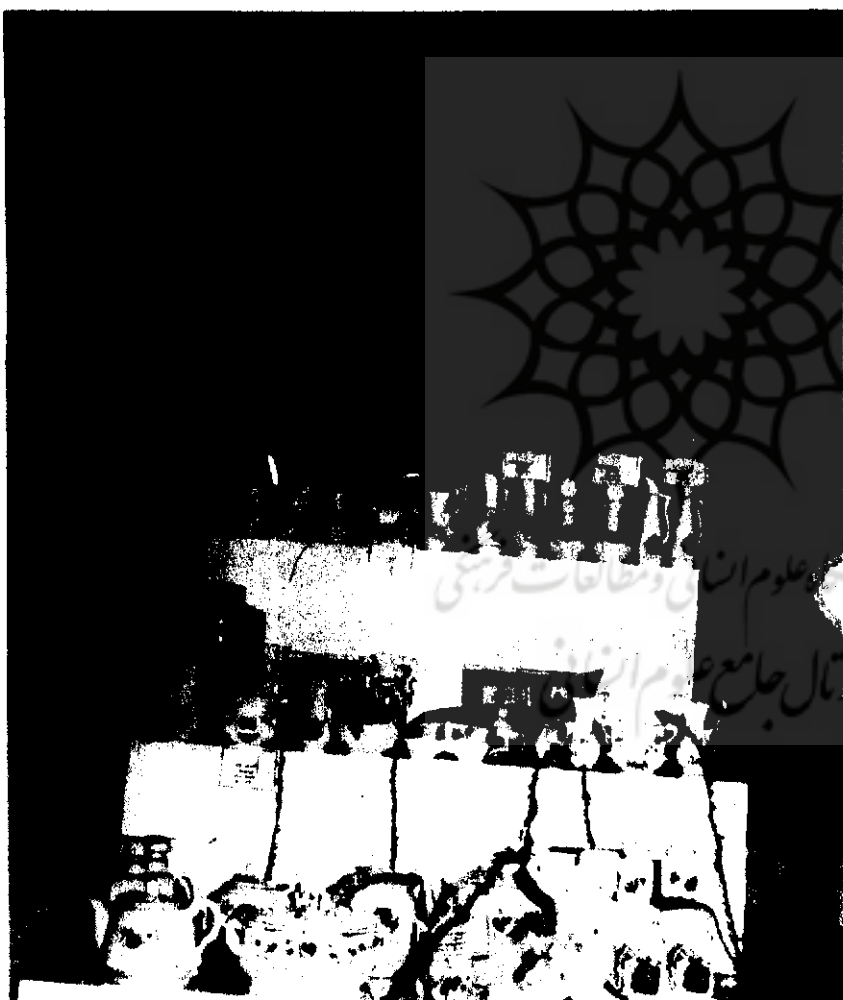
نقش صنایع روستایی در اقتصاد ایران

• اسفندیار جهانگرد

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی

• صنایع غذایی در اشتغال صنعتی روستاها سهم کمی دارند و این درحالی است که، بیشترین اشتغال صنایع تبدیلی غذایی، به دلیل عرضه مواد اولیه در مناطق روستایی، قاعدتاً باید در روستاهای کشورمان باشد.

• توجه به صنایع بزرگ و وارداتی و وابسته، نه تنها نیازهای کسانی را که در مناطق روستایی مشغول به کار بودند نباید گرفته بود، بلکه آنها را از بهره‌جستن از ساختارها و پیوندهای موجود در نظام تولیدی روستایی و همچنین، پیوندهای میان صنایع روستایی و سایر بخشهای موجود در نظام اقتصادی کشور، محروم کرده بود. از پیامدهای این سیاست، این است که صنایع روستایی کشور، تاکنون هرگز به صنایع ماشینی تغییر و تحول پیدا نکردند و آنچه به عنوان فعالیت‌های صنعتی باقی مانده است، همانا صنایع دستی و سنتی روستاییان است که سهم مهمی در تحولات صنعتی کشور نداشته است.



● مقدمه

مطالعه در زمینه صنایع روستایی در اقتصاد کشور و ارتباط آن با بخشهای مختلف اقتصادی در جریان اشتغال، ارزش افزوده و امکان ایجاد تحولات لازم در این صنایع، به عنوان یک بخش مولد اقتصادی، یکی از موضوعات بسیار مهم است که باید به دقت مورد توجه قرار بگیرد. در این راستا، باید گفت: رشد روزافزون جمعیت در مناطق روستایی و اختلاف آشکار سطح درآمد و رفاه نسبی، برخورداری از فرصتهای شغلی و استفاده از امکانات بین نقاط شهری و روستایی، باعث شده که روند مهاجرت روستاییان به شهرها، یک روند فزاینده باشد. لذا، صنعتی کردن روستاها به مفهوم واقعی به عنوان یکی از راه حلهای مناسب در زمینههای اشتغال، افزایش درآمد روستاییان و جلوگیری از مهاجرت به شهرها و بالاخره، تولید صنعتی کشور بیشتر احساس می‌گردد. در صورت بررسی سیاست‌گذارانه‌های اقتصادی دورانهای قبل، متوجه بی‌توجهی نسبت به صنایع روستاییان در کشور می‌شویم. استراتژی صنعتی شدن در این دورانها، بر مبنای ایجاد صنایع سنگین و پیچیده بوده است. به این معنی که تنها بزرگ زیاست. در این مقاله، هدف بررسی ابعاد مختلف صنایع روستایی کشور و تجزیه و تحلیل مسایل مربوط به آن می‌باشد. ابتدا مقاله به مفاهیم مربوط به صنایع روستایی می‌پردازد و سپس، ساختار صنایع روستایی را در اقتصاد کشور به تصویر می‌کشد و هم‌چنین آثار سیاست‌های صنعتی اتخاذ شده در دورانهای قبل را مورد مطالعه قرار می‌دهد. قسمت پایانی مقاله، به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

جهت مشخص شدن جایگاه صنایع روستایی در توسعه صنعتی کشور، ابتدا لازم است که واژه‌هایی چون: استراتژی توسعه، سیاست و خط‌مشی‌ها به طور واضح روشن گردند و هم‌چنین، بدانیم که صنایع روستایی در کشور، چه نوع صنایعی هستند و ویژگیهای خاص آنها چیست.

● مفهوم استراتژی توسعه

مسیر جهت‌دار گسترده‌ای که مجموعه اقدامات و حرکت‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور، به طور آگاهانه در طول آن مسیر تا نایل به اهداف معین

نده در هر مرحله‌ای از مسیر، به صورت هماهنگ هدایت می‌گردد، "استراتژی توسعه" می‌باشد. حال این استراتژی، اهداف را دنبال می‌کند که آن اهداف توسعه را می‌توان، به نقاط نورانی قرار گرفته در دور دستها تشبیه کرد که استراتژی توسعه، مسیر کلی حرکت به سوی نقاط نورانی را قابل رؤیت می‌کند. بدین جهت این مسیر کلی، یک مسیر جهت دار بوده، که برداشتن هر قدم در طول آن و طی کردن هر مرحله از حرکت در مسیر آن، در پرتو سیاست‌های توسعه، امکان‌پذیر می‌باشد. بدین ترتیب، می‌توان گفت: هدف کورسویی است، قرار گرفته در تاریکی و ابهام آینده.

استراتژی، مسیر طی حرکت از نقطه روشن فعلی، به سوی آن کورسوی دور دست می‌باشد. یک جهت، چراغی است در دست، که پیش بای هر مرحله و هر قدم از حرکت را روشن می‌سازد. خط مشی‌ها، مسیرهای جزئی در قالب مسیر کلی یا استراتژی می‌باشند.

● تعریف صنایع روستایی

سازمان صنایع دستی ایران، صنایع روستایی را این گونه تعریف می‌کند: (۱)
به کلیه فعالیتهای غیر زراعی که در سطح مناطق روستایی انجام می‌گیرد، صنایع روستایی گفته می‌شود.

وزارت جهاد سازندگی، صنایع روستایی را به صورت مفصل تر، این گونه تعریف می‌کند: (۲)
صنایع روستایی، صنایعی هستند متناسب با شرایط جمعیتی، تولیدی، اقلیمی، جغرافیایی و امکانات زیربنایی روستاها، که در قالب صنایع تبدیلی، کوچک و دستی در نقاط روستایی قابلیت استقرار دارند و می‌توانند، به عنوان مکمل فعالیتهای کشاورزی، زمینه تبدیل و فرآوری محصولات کشاورزی را فراهم نمایند و علاوه بر آن، به متعین ساختن اقتصاد و منابع درآمدی کشاورزان و روستاییان کمک می‌کنند و شرایط و امکاناتی را فراهم می‌سازند، تا زندگی روستاها، در مقایسه با زندگی در شهرها، از مزیت‌های نسبی برخوردار گردد و اشتغال کامل را برای روستاییان به ارمغان آورد.

● خصوصیات صنایع روستایی

حال که تا حدودی مفهوم صنایع روستایی

مشخص شد، به مهمترین ویژگیهای صنایع روستایی می‌پردازیم که عبارتند از:

۱ - مواد اولیه مورد استفاده این گونه از صنایع، در درجه اول، البته به منابع بومی و منطقه‌ای است و در درجه دوم، از منابع داخلی کشور تأمین می‌شود.

۲ - تکنولوژی مورد استفاده این صنایع و دانش و آگاهیهای فنی، نیروی انسانی و قطعات مورد استفاده آنها، بومی هستند.

۳ - در اغلب موارد، فعالیتهای تولیدی در این زمینه، ریشه در فرهنگ، آداب و رسوم و هنر مردم منطقه دارد.

۴ - از لحاظ طبقه‌بندی، بر حسب نظام سازماندهی، به صنایع دستی، سنتی و صنایع کارخانه‌ای کوچک، دسته‌بندی می‌شوند.

۵ - نظام مدیریتی این نوع صنایع، بر مبنای یافته‌های تجربی است و از پیچیدگی خاصی برخوردار نمی‌باشد.

۶ - صنایع روستایی به عنوان یک قیمت تکمیل کننده بخش کشاورزی می‌باشند.

۷ - به دلیل بومی بودن، این صنایع، محل اشتغال خوبی برای بیکاران فصلی روستاها هستند.

۸ - سرمایه‌گذاری مورد نیاز این دسته از صنایع، اندک است که به دلیل ساده بودن فرایند تولید این گونه صنایع می‌باشد.

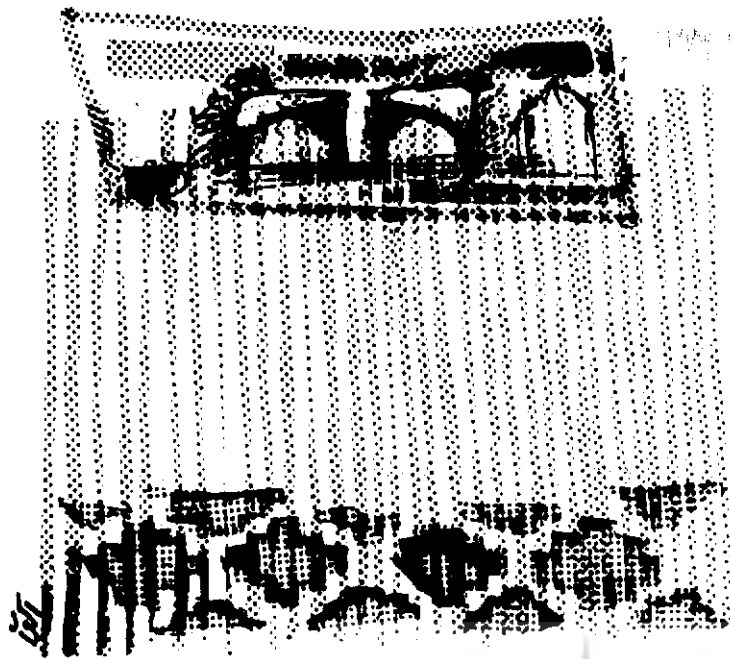
۹ - انعطاف‌پذیری و سازگاری صنایع کوچک روستایی، نسبت به شرایط متغیر اقتصادی، به عنوان ابزاری مهم برای رسیدن به صنعتی شدن می‌باشند.

۱۰ - صنایع کوچک روستایی، به دلیل کاربرد بودن (Labour - intensive) و استفاده از تکنولوژی ساده، در مقایسه با صنایع جدید و بزرگ، از توان ایفای نقش بسیار اساسی تری در زمینه ایجاد اشتغال روستاییان برخوردارند.

طبقه‌بندی صنایع روستایی

طبقه‌بندی صنایع روستایی بر اساس ملاکهای متفاوت صورت می‌گیرد و معیارهای معینی برای طبقه‌بندی وجود ندارد. مثلاً در نوعی طبقه‌بندی، ملاک میزان سرمایه قرار می‌گیرد.

در اقتصاد کشور، نوعی طبقه‌بندی از صنایع روستایی وجود دارد، که عبارتست از: (۳) ۱ - صنایع



دستی از قبیل : گلیم بافی، قالیبافی، کوزه‌گری، گیوه‌بافی، پارچه بافی و حصیر بافی و ... - صنایع کارخانه‌ای روستایی : این نوع صنایع، اغلب به دلیل وجود مواد اولیه کافی یا مواد کشاورزی، جهت عمل آوری و تبدیل آنها به محصولات صنعتی، در یک منطقه روستایی احداث می‌شوند.

صنایع دستی و سنتی، صنایعی هستند که از دیر زمان بیشتر، به صورت فعالیتهای صنعتی خانگی، یا روش تولید سنتی در روستاهای کشور، وجود داشته است. به طور عمده، برای رفع نیازهای روزمره روستاییان می‌باشد یا به عبارت دیگر، این نوع صنایع جزو صنایع دستی و سنتی کشور می‌باشند.

نوع طبقه‌بندی دیگری که از صنایع روستایی صورت گرفته است و با وضعیت اقتصادی، اجتماعی ایران، بیشتر هماهنگی دارد، عبارتست از: (۱)

(۱) صنایع دستی و سنتی (۲) صنایع تبدیلی (۳) صنایع خدمات فنی و صنعتی روستا

(۱) صنایع دستی و سنتی : این نوع صنایع به دو

نوع صنایع تقسیم می‌شوند. الف) صنایع خانگی ب) صنایع دستی کارگاهی، این نوع صنایع به تکنولوژی پیشرفته تر و پیچیده‌تری نیاز دارند و متکی بر تخصص دانش‌های بومی هستند. قسمت اعظم مواد اولیه این نوع صنایع، در داخل کشور تأمین می‌گردد که در حقیقت، بازگو کننده استقلال اقتصاد و عدم وابستگی این نوع صنایع می‌باشد. صنایع دستی، علاوه بر تقسیم بندی بالا، به صورت ریزتر، این گونه، طبقه‌بندی می‌گردند.

الف) صنایع یافته‌های داری : فرآورده‌های این نوع صنایع، محصولاتی هستند که با کمک دارهای افقی یا عمودی تولید می‌شوند. مانند: قالی و قالیچه و گلیم و رویه‌های سنتی و غیره.

ب) صنایع نساجی سنتی (دستی): این نوع از صنایع دستی، دستگاه‌های یافتگی هستند که محصولاتی چون جاجیم، ترمه، زری و شال و انواع پارچه‌های پنبه‌ای و پشمی و کرکی را تولید می‌کنند.

ج) صنایع دستی بافتنی : در این نوع صنایع دستی، محصولاتی به کمک میل و قلاب و الیاف طبیعی تولید می‌شود. مانند : دستکش، جوراب، کلاه، شال گردن و روسری.

د) صنایع روکاری : در این نوع از صنایع دستی، محصولاتی تولید می‌شوند که از طریق دوختن نقوش سنتی بر روی پارچه‌های بدون نقش یا کسبیدن قسمتی از نخهای نار و بود پارچه، بوجود می‌آید. مانند: سوزن‌دوزی، ملبله‌دوزی، منجوق‌دوزی، ...

ه) صنایع چاپ‌های سنتی : کلیه پارچه‌هایی که به وسیله قلم مو، مهر و نظایر آن رنگ‌آمیزی می‌شوند، در این زمره قرار می‌گیرند. مانند : چاپ قلمکار و کلافه‌ای و چاپ دندان.

و) صنایع نمدمالی : انواع مصنوعات که بر اثر درگیری و تراکم کردن پشم و کرک در شرایط فنی مناسب، از طریق ورز دادن تهیه می‌شود، در این زمره قرار می‌گیرند. مانند : کلاه نمدی، پالتو نمدی و نمدهای زیرانداز.

ز) صنایع سرامیک سازی و سفالگری : مصنوعات که با استفاده از گل رس و هم چنین گل حاصل شده از سنگهای کوارتز و کائولن، به کمک دست و چرخ سفالگری، بدست می‌آید. جزء این گونه صنایع دستی هستند.

صنایع دستی دیگری هم، علاوه بر صنایع دستی فوق، وجود دارند، که عبارتند از : شیشه‌گری، قلم‌زنی، مسبک‌کاری، منبت‌کاری، خراطی چوب، خاتم‌سازی.

حصیربافی، گیوه‌دوزی، تولید فرآورده‌های پوست و چرم و غیره.

(۲) صنایع تبدیلی

این نوع صنایع، به دو قسمت تقسیم می‌شوند. الف) صنایع تبدیلی کشاورزی (زراعی و جنگلی). ب) صنایع تبدیلی دامپروری، این دسته از صنایع روستایی، مواد اولیه مورد نیاز خود را از بخش کشاورزی تأمین می‌کند. در حقیقت، مواد اولیه این نوع صنایع، از طریق زیربخشهای زراعت، جنگل و مرتع و دامپروری بخش کشاورزی تأمین می‌شود. صنایعی نظیر : صنایع قند و شکر، روغن‌کشی، رب گوجه، کمپوت‌سازی، پنیرسازی، چرم‌سازی، صنایع چوبی و نساجی و صنایعی که محصولاتی چون سوسیس و کالباس و... تولید می‌کنند، جز این دسته از صنایع هستند.

(۳) صنایع خدمات فنی و صنعتی :

از این صنایع، اغلب به عنوان صنایع کوچک روستایی یاد می‌شود که حالت کارگاهی دارد و علاوه بر شهرها، قابل استقرار در روستاها نیز، می‌باشد، که در مقایسه با صنایع سبک به نیروی انسانی کمتر

وتجهیزات و وسایل محدودتری نیاز دارد و محتاج سرمایه گذاری زیادی نیست. در این دسته از صنایع روستایی، بخشی از کار تولید توسط ماشین و بخشی دیگر توسط نیروی بدنی کارگران انجام می‌شود. در این نوع از صنایع، دانش فنی روستایی، عامل اصلی رشد این صنایع می‌باشد. جوشکاری، آهنگری و ... نمونه‌هایی از این نوع صنایع هستند.

یک نوع طبقه‌بندی دیگر، توسط کارشناسان سازمان ملل (UN)، صورت گرفته است. مطابق این نوع طبقه‌بندی، صنایع روستایی به ۳ گروه عمده: صنایع خانگی، صنایع کارگاهی و صنایع کارخانه‌ای کوچک تقسیم‌بندی می‌شوند.^(۱)

● بررسی صنایع روستایی در اقتصاد ایران

● الف - بازنگری تاریخی

زمینه فعالیت‌های صنعتی در ایران، به قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی که مقارن با حاکمیت سلسله صفویه است، بازمی‌گردد. در این دوران، که مرحله رشد صنایع دستی ایران می‌باشد، تولیدات صنعتی به مرحله تولید پیشه‌وری و مانوفاکتوری ارتقاء یافته بود. به مقیاس آن زمان ایران کشوری صنعتی محسوب می‌گردید، که کالاهای تولید شده توسط صنایع دستی آن، به کشورهای دیگر صادر می‌شد. در واقع، در این دوران، که مقارن با تغییر و تحولات سیاسی اروپا و شکست فتودالیسم، توسط سرمایه‌داری و پایان دوران قرون وسطی بود، نطفه صنعت در ایران بسته می‌شود. بر اثر انحطاط سلسله صفویه و سقوط آن توسط افغانها، ایران بازبچه افکار عقب مانده چند سلسله چادر نشین، نظیر افشاریه و زندیه و به ویژه قاجاریه قرار گرفت. به هر حال، در دوره قاجاریه، صنایع دستی و تولید پیشه‌وری تا هنگامی که پای دول بیگانه به ایران باز نشده بود، تأمین کننده نیازهای داخلی بود. پس از شکست از روسیه و قرار داد ترکمن جای (سال ۱۲۰۶ ه.ش) و انعقاد قرارداد با انگلستان در سال ۱۱۹۲ و قرارداد پاریس در سال ۱۲۶۳ ه.ش) با انگلستان و تحولات داخلی مملکت، کالاهای ارزان قیمت خارجی با کیفیت مرغوبتری وارد بازار ایران گردید و باعث شد صنایع نساجی شهرهای صنعتی چون اصفهان، کاشان و یزد را به ورشکستگی

کشانند. در این دوران مهمترین اقدام در جهت حفظ و تقویت صنایع و تجارت داخلی توسط امیرکبیر به عمل آمد، ولی به موفقیت چندانی دست پیدا نکرد. لذا، تا سال ۱۲۶۰، صنایع دستی، ساختار صنعت ایران را تشکیل می‌دادند. بعد از امیر کبیر، معدود صنایع ماشینی هم که به همت و درایت وی ایجاد شده بود، از بین رفت و فرایند توسعه صنعتی آغاز شده از طرف دولت، دچار وقفه گردید. جدول شماره (۱) مشخصات کارخانه‌ها و کارگاه‌های ایران در اواخر دوره قاجاریه را نشان می‌دهد. بعد از سال ۱۲۶۰ (ه.ش) به دلیل رشد سریع بازرگانی داخلی، توجه سرمایه‌گذاران خارجی به کشور به بازار مناسب به داخلی همراه با پیدایش عده‌ای از تجار و بازرگانان ثروتمند، زمینه‌های لازم جهت سرمایه‌گذاری در صنایع ماشینی بوجود آمد و دوران رشد صنایع ماشینی شروع گردید.^(۵)

به هر حال، فعالیتهای مختلف جهت صنعتی شدن کشور، عمدتاً به دلایل وضعیت بد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی کشور، نتوانستند به جایی برسند. بعد از اقدامات امیرکبیر، قبل از آن که انقلاب مشروطیت، بتواند از نظر اقتصادی ره به جایی ببرد، جنگ جهانی اول شروع شد. پس از این جنگ، اقدامات پراکنده‌ای در جهت ایجاد صنعت متفرع و کارخانه‌هایی تأسیس شد، که باز هم این روند در بطن مسایل سیاسی و اقتصادی آن زمان، نتوانست رشد چندانی بکند. بعد از آن هم، جنگ جهانی دوم رخ داد و مسایل ناشی از آن باعث عدم رشد صنایع در ایران گردید. در نهایت، می‌بینیم که ایجاد صنایع در کشور، روند پراکنده و بی‌نظمی را در این دورانی طی کرده است. این روند تا سال ۱۳۴۰ ادامه پیدا کرد. از سال ۱۳۴۰ دوره مشخصی برای صنعتی کردن کشور آغاز می‌گردد. از این سال به بعد، استراتژی این است که بازار بزرگی در داخل کشور، برای مصرف محصولات صنعتی خارجی ایجاد گردد و در مرحله بعد، صنایعی در کشور ایجاد شوند و به تولید کالاهایی که بازار آنها قبلاً از طریق واردات در کشور فراهم شده بود، بپردازند.^(۶) لذا، می‌بینیم که گسترش صنعت کارخانه‌ای در ایران، از سال ۱۳۴۰ به بعد بر اساس استراتژی جایگزینی واردات انجام گرفته و لازمه آن نیز، سیاستهای حمایتی بوده‌است.

● در کشور ما ابتدا صنایع به دلیل فقر امکانات و تسهیلات زیربنایی و تقسیم نامناسب کار، اکثراً به صورت مقیاس کوچک و روستایی بوده است. بعد از سال ۱۳۲۰ و اتخاذ سیاست جایگزینی واردات، صنایع کارخانه‌های بزرگ، به صورت چشمگیری بر صنایع کوچک روستایی، چیره شدند و صنایع روستایی به فراموش سپرده شد. غافل از این که، راه حل صنعتی شدن را در مقیاس و اندازه واحدهای تولیدی نمی‌توان یافت.

با توجه به این که صنعتی شدن در روند پویا و بلندمدت، عملی می‌شود و به دلیل این که، انقلاب صنعتی در گوشه دیگری از دنیا اتفاق افتاده بود، لذا، ما در ابتدا با این مضمون، دنباله رو در صنعتی شدن بوده‌ایم و بر کسی پوشیده نیست، که در ابتدای این حرکت، نطفه وابستگی نهفته است، البته، انتخاب روش صحیحی، در میزان وابستگی تأثیر بسزایی دارد. با این حال، در آغاز، روش صحیحی در کشور ما به کارگرفته نشده است و این مساله طبیعتاً وابستگی کشور را تقویت و تشدید کرده‌است. صنایعی که در این دوران، در کشور ما ایجاد شدند، علاوه بر این که از نظر مواد اولیه، تکنولوژی، دانش، آگاهیهای فنی، نیروی انسانی و قطعات، وابسته به خارج بودند، باعث شدند که بخش کشاورزی هم، به فراموشی سپرده شود و فراموشی بخش کشاورزی هم، به منزله فراموش کردن روستاهای کشور، یعنی در حقیقت، فراموش کردن قشر وسیعی از جمعیت کشور و تأکید بر شهرنشینی بود. لذا، به اجبار، فاصله شهر و روستا به مرور زیاد شده، شکاف بین شهر و روستا، به معنی گسستگی و جدایی وحدت ملت و کشور می‌باشد.^(۷) در این زمینه، در فاصله سالهای (۱۳۵۵ - ۱۳۴۵)، رشد جمعیت شهری در ایران، ۴ برابر روستا بوده و این رقم در دهه (۱۳۶۵ - ۱۳۵۵) به حدود ۲ برابر رسید.^(۸) که این میزان رشد بالای جمعیت شهری نسبت به جمعیت روستایی، بیانگر مهاجرت از روستاها به شهرها بوده که سبب بوجود آمدن بیکاری در

شهرها شده است. در این دوران مسأله اساسی دیگری که علاوه بر فراموشی روستاها، در صنعتی شدن کشور، نادیده گرفته شده است، این است که در این راه، به صنعت به عنوان آنچه که بر اساس نیازها و احتیاجات جامعه باید بوجود آید، نگاه نشده است. لذا، در همان ابتدا به جای این که (به عنوان مثال) ماصنعت قالیبافی سنتی را رشد دهیم و در طی یک روز، آن را به یک صنعت پیشرفته بومی تبدیل کنیم، به دنبال آوردن تکنولوژی پیچیده از خارج شدیم و امکانات داخل کشور را کنار گذاشتیم و تصور کردیم که هیچ صنعتی در کشور نداریم و در داخل کردن صنایع وارداتی تلاش کردیم، غافل از این که فرهنگ صنعتی لازم، ایجاد نگردیده است و با توجه به وابستگی این صنایع، به محض بروز حادثه‌ای از کار خواهند افتاد.^(۷)

همان طور که می‌بینیم، در رژیم گذشته، به طور کلی به روستاها و به بالطبع به صنایع روستایی توجهی نشده است و این امر باعث شد، که ثبات نسبی تکنولوژی در صنایع روستایی، در دوره‌های طولانی، به کار رود و رشد چندانی نداشته باشند و سرانجام، حلقه‌های ارتباطی بین بخشهای تولیدی داخلی کشور ضعیف‌تر گردند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم به دلیل وقوع جنگ تحمیلی، ضربات زیادی به صنایع کشور وارد گردید.

در مقطع سال ۱۳۶۵، می‌توان مشاهده کرد، گویایی بی توجهی به صنایع روستایی در کشور است.

به طوری که آمار نشان می‌دهد، طبق جدول شماره (۲) در سال ۱۳۵۵، بیشترین سهم اشتغال صنعتی مناطق روستایی در صنایع نساجی و پوشاک و جرم بوده (۷۸/۸ درصد)، که این اشتغال، عمدتاً بیشتر در قالیبافی سنتی و گلیم‌بافی بوده است.

در سال ۱۳۵۵، صنایع معدنی از لحاظ اشتغال صنعتی، بعد از صنایع نساجی و پوشاک و جرم قرار داشت (۵/۸ درصد). همان طوری که در جدول شماره (۲)، مشاهده می‌شود، صنایع غذایی در اشتغال صنعتی روستاها سهم کمی دارند و این در حالی است که، بیشترین اشتغال صنایع تبدیلی غذایی، به دلیل عرضه مواد اولیه در مناطق روستایی، قاعدتاً باید در روستاهای کشورمان باشد.

ترتیب فوق، در سال ۱۳۶۵، به صورتی است که صنایع نساجی و پوشاک و جرم هم با ۵۰/۸ درصد، مقام اول اشتغال صنعتی در مناطق روستایی را دارا می‌باشد و صنایع معدنی غیر فلزی با ۱۵/۳ درصد، در مقام دوم و صنایع ماشین آلات با ۱۰ درصد، در مقام بعدی و صنایع غذایی با ۹/۹ درصد، در مقام چهارم اشتغال صنعتی روستایی قرار دارد.

به طوری که مشاهده می‌شود، طی این دوره ده ساله (۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵)، باز هم سهم اشتغال صنعتی در صنایع غذایی مناطق روستایی، هم چنان کم و ناچیز می‌باشد و چیزی در حدود ۹/۹ درصد کل اشتغال صنعتی مناطق روستایی را دارا می‌باشد. با این که این سهم، نسبت به سال ۱۳۵۵، افزایش پیدا کرده است، ولی سهم مذکور، گویایی بی توجهی به صنایع تبدیلی و غذایی کشاورزی می‌باشد.

در مورد صنایع نساجی و جرم هم، طبق نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن مهر ماه ۱۳۶۵، ۹/۸ درصد از خانوارهای معمولی ساکن در روستاهای کشور، صنعت خانگی، داشته‌اند، که در این زمینه، قالی و قالیچه و گلیم‌بافی با ۷۹/۸ درصد، رایجترین صنعت خانگی در بین این خانوارها بود. جدول شماره (۳)، شاغلین صنایع خانگی را در سال ۱۳۶۵ نشان می‌دهد.

از لحاظ سواد، شاغلان صنعتی در روستاها در سال ۱۳۵۵، ۷۹/۶ درصد بی‌سواد و فقط ۲۰/۴ درصد باسواد بود. البته باسواد بودن در این سال، به این مفهوم است که کسی توانایی خواندن و نوشتن متن ساده‌ای را به فارسی یا هر زبان دیگری، در مورد افراد ۶ سال به بالا را داشته باشد.

ب - بررسی آماری صنایع روستایی

طبق سرشماری نفوس و مسکن مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۵۵، از جمع شاغلین بخش صنعت کشور که رقمی حدود ۱۶۷۳۰۵۹ نفر می‌باشد، ۷۸۳۳۶۶ نفر آنها در صنایع روستایی مشغول به کار بودند. یعنی در حدود ۴۸ درصد اشتغال در بخش صنعت کشور در روستاها بوده است. در سال ۱۳۶۵، طبق آمار مرکز آمار ایران، از جمع شاغلین بخش صنعت که حدود ۱۴۵۱۳۳۳ نفر بودند، ۴۸۷۷۰۴ نفر آنها، در صنایع روستایی مشغول به کار شدند. یعنی حدود ۳۳/۶ درصد اشتغال بخش صنعت کشور، در روستاها بود. این تغییرات، در حدود ۱۴ درصد کاهش در اشتغال بخش صنعت کشور در روستاها، در این دوره، نشان می‌دهد. این تغییرات، در حالی است که در این دوره، جمعیت کل کشور، حدود ۱۰ درصد افزایش یافته است. این تغییرات، در حالی است که در این دوره، جمعیت کل کشور، حدود ۱۰ درصد افزایش یافته است. این تغییرات، در حالی است که در این دوره، جمعیت کل کشور، حدود ۱۰ درصد افزایش یافته است.



در سال ۱۳۶۵، از کل شاغلین صنعتی کشور، همان طوری که در جدول شماره (۴) قابل مشاهده است، ۶۵/۷ درصد باسواد ۳۴/۳ درصد بی سواد بوده که این مقوله در صنایع روستایی به ترتیب ۵۳/۳ درصد و ۴۶/۷ درصد بوده است که حاکی از بالا بودن بی سوادی در شاغلین صنعتی در کل کشور و به خصوص در صنایع روستایی می باشد. البته طی این ده ساله (۱۳۶۵ - ۱۳۵۵)، آمار نشان دهنده افزایش باسوادی شاغلان صنعتی در روستاها می باشد، در صورتی که این افزایش، ناشی از تفاوت در چارچوبهای آماری در در سرشماری نباشد. گویای این مطلب است که تغییرات بسادی در این زمینه صورت گرفته است.

با توجه به آمار ارائه شده در جدول شماره (۵)، ملاحظه می شود که رشد متوسط سالانه شاغلین صنایع روستایی طی سالیهای ۱۳۵۵ - ۱۳۶۵ (۴،۸۷ -) درصد می باشد. این در حالی است که طی این سالها، جمعیت روستایی از حدود ۶۴۰۶۴ نفر به ۲۳۰۴۵۱ نفر رسید است که طی دوره مذکور، به طور متوسط، هر سال ۲،۳۴ درصد رشد داشته است. این رقم در حدسه با میزان رشد صنعتی در کل صنایع روستایی طی سالیهای ۱۳۵۵ - ۱۳۶۵ می باشد. این رقم نتیجه گرفته شده در مجموع طی این سالها، صنایع روستایی علاوه بر این که نتوانسته است، فرصتهای معنی لایز را ایجاد نمایند، بلکه در حدی از شاغلین صنایع مذکور هم، طی این دوره، صنایع روستایی رها کرده اند.

بررسی روند اشتغال در صنایع روستایی طی دوره مذکور، در مقایسه با روند اشتغال در کل صنایع روستایی، می تواند به خوبی بیان کننده این مطلب باشد که در این دوره، صنایع روستایی در مقایسه با کل صنایع روستایی، روند اشتغال در صنایع روستایی، طی دوره قوی بوده و همین امر، نیروی کار جدید به بازار کار، امکان دارد، گنجه شود. جذب سایر بخشهای تولیدی در اقتصاد روستایی شده اند، ولی بررسی روند اشتغال روستایی گویایی نادرستی - این فرضیه می باشد، زیرا که طی دوره مذکور، کل اشتغال روستایی، رشد متوسط سالانه ای معادل (۰/۶۲) درصد می باشد که رشد فوق، حتی رشد منفی شاغلین صنایع روستایی (۴/۸۷-) را هم، یونشی

نمی دهد. لذا، می توان نتیجه گرفت که طی دوره مذکور میزان بالای مهاجرت، از روستاها به شهرها و اشتغال در بخش غیر مولد خدمات کشور، علت اصلی این قضیه می باشد.

بررسی و تحلیل ارزش تولیدات، هزینه های واسطه، ارزش افزوده صنایع روستایی کشور و مقایسه آن با صنایع شهری کوچک و کارگاههای صنعتی کشور، معیار دیگری است، که بیشتر، امکان شناخت جایگاه صنایع روستایی را در اقتصاد به ما می دهد. بر اساس آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی

ایران، ارزش تولیدات، هزینه واسطه، ارزش افزوده گروه صنعت به قیمت عوامل به قیمت های تابستان سال ۱۳۶۳ (جدول شماره ۶) ارزش تولیدات صنایع روستایی کشور در سال ۱۳۵۳، برابر ۱۵۲ میلیارد ریال بوده است، که اولین رقم در سال ۱۳۶۹، به ۲۸۷/۸ میلیارد ریال بالغ شده است. یعنی به طور متوسط، سالیانه ۷/۴ درصد رشد داشته است. از کل ۱۵۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۳، ۷۰/۱ میلیارد ریال هزینه واسطه و ۸۱/۹ میلیارد ریال ارزش افزوده می باشد. یعنی از ترکیب ارزش تولیدات، به ترتیب ۴۶

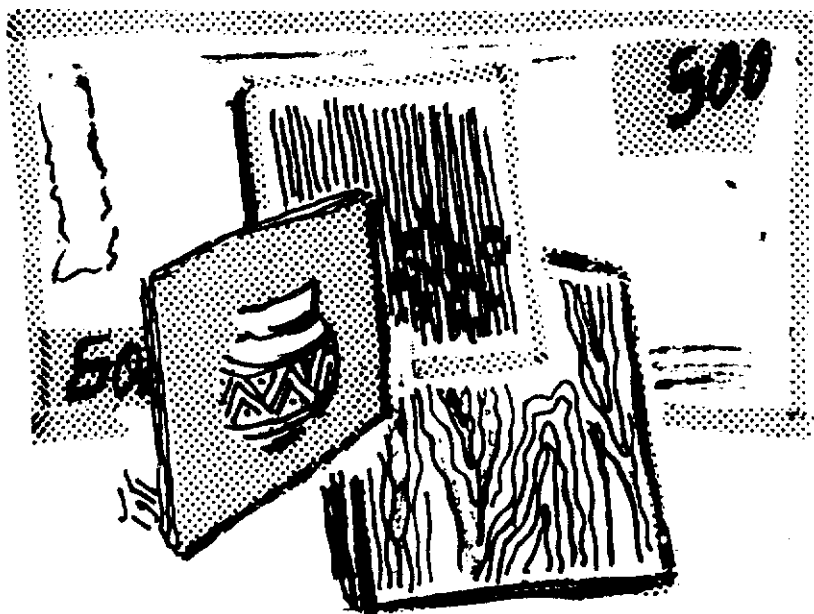
جدول شماره (۱): مشخصات کارخانه ها و کارگاههای ایران در اواخر دوره قاجاریه

نام	محل	تعداد	تعداد کارگران	درصد کارگران
کارخانه ابریشم بافی حاج امین القرب	گیلان	۱	۱۵۰	۲۸/۶
کارگاه پنبه باک کنی	خراسان - مازندران	۹	۱۴۴	۲۷/۵
کارخانه کاغذسازی	تهران	۱	۶۰	۱۱/۴
کارخانه نخ ریزی قزوین	تهران	۱	۴۵	۸/۶
کارخانه برق	تهران - مشهد	۳	۴۵	۸/۶
کارخانه بلور سازی امین القرب	تهران	۱	۲۰	۳/۸
کارخانه صابون سازی نظافت	تهران	۱	۲۰	۳/۸
کارخانه آجربری حاج امین القرب	تهران	۱	۲۰	۳/۸
کارخانه فستق سازی	تهران	۱	۱۰	۱/۹
کارخانه آجیو سازی	تهران	۱	۱۰	۱/۹
جمع		۲۰	۵۲۴	۱۰۰

جدول شماره (۲): اشتغال صنعتی در روستاها در سالیهای (۱۳۶۵ - ۱۳۵۵)

کد	نوع صنایع	اشتغال نفر ۱۳۵۵	درصد	اشتغال نفر ۱۳۶۵	درصد
۲۱	صنایع غذایی	۴۲۱۶۳	۵/۴	۴۸۲۸۹	۹/۹
۲۲	صنایع نساجی و پوشاک و چرم	۶۱۶۹۹۵	۷۸/۸	۲۴۷۷۸۸	۵۰/۸
۲۳	صنایع چوب و محصولات چوبی	۳۱۷۸۷	۴	۲۲۹۲۱	۴/۷
۲۴	صنایع کاغذ و محصولات کاغذی	۲۱۳۳	۰/۴	۳۲۵۹	۰/۷
۲۵	صنایع شیمیایی و نفت، زغال سنگ	۴۱۲۳	۰/۵	۱۱۸۹۵	۲/۴
۲۶	صنایع معدنی	۲۸۲۳۸	۳۵/۸	۳۳۸۱۲	۶۶/۸

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبانماه سال ۱۳۵۵ و مهر ماه ۱۳۶۵



درصد و ۵۴ درصد هزینه واسطه و ارزش افزوده می‌باشد.

هم‌چنین از کل ۲۸۷/۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۹، ۱۶۱/۶ میلیارد ریال آن هزینه واسطه و ۱۲۶/۲ میلیارد ریال آن ارزش افزوده می‌باشد. یعنی این که از ترکیب ارزش تولیدات این دسته از صنایع، ۵۶ درصد آن هزینه واسطه و ۴۴ درصد ارزش افزوده می‌باشد، که مقایسه با سال ۱۳۵۳، سهم ارزش افزوده، در ارزش تولیدات کارگاه‌های کوچک صنعتی روستایی کاهش پیدا کرده است. ولی در صورت بررسی آمار کارگاه‌های کوچک صنعتی شهری در سال ۱۳۵۳ و ۱۳۶۹، مشاهده می‌کنیم، که ارزش تولیدات این صنایع در سال ۱۳۵۳، برابر ۲۹۴/۵ میلیارد ریال می‌باشد، که از این مقدار، ۴۶ درصد آن ارزش افزوده بوده است و در سال ۱۳۶۹، ارزش تولیدات آنها ۹۳۱/۹ میلیارد ریال بوده که از این مقدار، فقط ۳۸ درصد آن، ارزش افزوده بوده است.

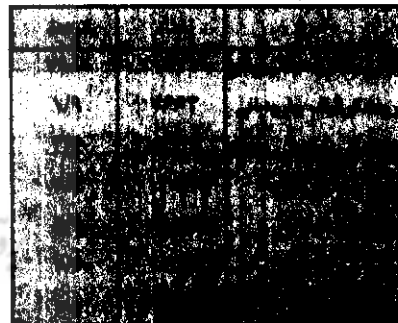
○ خلاصه و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی، در مراحل آغازین ظهور صنایع در هر کشوری، تولید در صنایع با مقیاس کوچک صورت می‌گیرد، که این امر به دلیل حجم کم بازار مصرف، فقر امکانات و تسهیلات زیربنایی، پایین بودن سطح امکانات مکانیزه و تقسیم نامناسب کار می‌باشد. به تدریج در مراحل بعدی، همگام با گسترش بازارهای مصرف و امکانات و تقسیم کار و جیره شدن صنایع کارخانه‌ای بزرگ در ساختار صنعتی، نقش صنایع روستایی با مقیاس کوچک کاهش پیدا می‌کند.

در کشور ما ابتدا صنایع به دلیل فقر امکانات و تسهیلات زیربنایی و تقسیم نامناسب کار، اکثراً به صورت مقیاس کوچک و روستایی بوده است. بعد از سال ۱۳۴۰ و اتخاذ جایگزینی سیاست واردات، صنایع کارخانه‌های بزرگ، به صورت چشمگیری بر صنایع کوچک روستایی، جیره شدند و صنایع روستایی

با توجه به مباحث فوق، می‌بینیم که صنایع روستایی کشور، هر چند که با بی‌توجهی مواجه بوده‌اند، ولی هنوز در ساختار اقتصادی صنعت و کشور، دارای اهمیت و موقعیت مناسب و خوبی می‌باشند.

جدول شماره (۳): شاغلان صنعت خانگی روستایی در سال ۱۳۶۵



مآخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مهرماه ۱۳۶۵، فرهنگ روستایی کل کشور

جدول شماره (۴): سهم شاغلان صنعتی مناطق شهری و روستایی کل کشور در سالهای (۱۳۵۵-۱۳۶۵)

مناطق شهری	مناطق روستایی		کل	سال	مناطق شهری	مناطق روستایی	کل
	۱۳۶۵	۱۳۵۵					
۷۹/۹	۵۲/۵	۵۲/۳	۲۰/۲	۱۳۶۵	۲۸/۵	۶۵/۷	۹۴/۲
۲۸/۱	۴۵/۵	۴۶/۷	۷۹/۶	۱۳۵۵	۶۱/۵	۳۴/۳	۹۵/۸
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مآخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مهرماه ۱۳۶۵، فرهنگ روستایی کل کشور

به فراموشی سپرده شد. غافل از این که، راه حل صنعتی شدن را در مقیاس و اندازه واحدهای تولیدی نمی‌توان یافت. در این دوران، از یک سو توجه به مسأله اشتغال شهری و از سوی دیگر، توجه به توسعه بخش کشاورزی در برنامه‌های قیل از انقلاب، باعث عدم توجه به صنایع روستایی گردیده است. از نظر خطمشی اجرایی هم، توجه به صنایع بزرگ و وارداتی و وابسته، نه تنها نیازهای کسانی را که در مناطق روستایی مسعول به کار بودند تأیید نکرده بود، بلکه آنها را از بهره‌جستن از ساختارها و پیوندهای موجود در نظام تولیدی روستایی و هم‌چنین، پیوندهای مین صنایع روستایی و سایر بخشهای موجود در نظام اقتصادی کشور، محروم کرده بود. از پیامدهای این سیاست، این است که صنایع روستایی کشور، تاکنون هرگز به صنایع ماشینی تغییر و تحول پیدا نکرده‌اند و آنچه به عنوان فعالیت‌های صنعتی باقی مانده است، همانا

صنایع دستی و سنتی روستاییان است که سهم مهمی در تحولات صنعتی کشور نداشته است و تنه گسترش صنایع سنتی قالیبافی در روستاهای کشور، سهم عمده‌ای از اشتغال صنعتی کشور را به خود اختصاص داده‌اند. این در حالی است که در صورت سیاستی مریضه‌ی نسبی کشور، می‌تواند صنایع روستایی از جمله فعالیت‌هایی هستند که در این زمینه

قرار دارند، به دلیل این که قیمت تمام شده کالاها تابع هزینه عوامل تولید می باشد و تولید محصول زمانی ارزاتر تمام می شود، که حداقل یکی از عوامل تولید آن، ارزاتر از سایر نقاط باشد. با توجه به این امر، مزیت های اقتصادی کشور را در مورد صنایع در چند نکته می توان ذکر کرد: الف) صنایعی که انرژی مصرف می کنند، که این انرژی به وفور به صورت نفت و گاز و زغال سنگ در کشور مشاهده می شود ب) صنایعی که کاربرد (Labour Intensive) می باشند که نیروی کار، به خصوص در سطوح تخصصی و نیمه تخصصی به نرخ ارزان در کشور یافت می شود ج) صنایعی که از مواد معدنی و کانی استفاده می کنند، که از این لحاظ کشور غنی می شود د) صنایعی که از محصولات کشاورزی، هم چون صیفی جات و میوه استفاده می کنند.

بنابراین، با توجه به موارد فوق، باید گفت: صنایع

روستایی از آن دسته فعالیت هایی هستند که در صورت استفاده از امکانات آنها در فرایند توسعه کشور، تحول در اقتصاد کشور یک امر اجتناب ناپذیر می باشد. با وجود بی توجهی به این صنایع در دورنمای قبل، هنوز ساختار صادراتی ما را اکثراً محصولات این صنایع تشکیل می دهند. ولی به علت بی توجهی، در حال حاضر، در کشورمان ۲۰ نفر در سال کار می کنند و فرش تولید می کنند و با ۱۶ نفر ساعت کار در زاپن که به تولید ماشین مشغول است، معاوضه می کنند، که به معنی عدم تغییر و تحول می باشد. لذا، وقایع، حاکی از این است، که در صورت سرمایه گذاری مادی و نیروی انسانی در روستاهای کشور، علاوه بر پیشرفت اقتصاد روستا و کشور، باعث رشد دانش، علم و فرهنگ در روستاها هم خواهد شد و نهایت کلام این که، تنها بزرگ زیبا نیست، بلکه هم بزرگ و هم کوچک زیبا هستند. اما، هر کدام در جای خود.

منابع

- ۱) صاحبی، صادق. صنایع روستایی و نقش آن در توسعه کشور، جهاد، تیرماه ۱۳۷۳
- ۲) وزارت جهادسازندگی، معاونت عمران و صنایع روستایی، گزارش هفته دولت، شهریور ۱۳۷۴
- ۳) مردوخ، بایزید، صنایع روستایی ایران، بررسی وضعیت شرایط توسعه، اقتصاد کشاورزی و توسعه سال اول، شماره ۳، ۱۳۷۲
- ۴) نادری، ابوالقاسم صنعت روستایی و توسعه اقتصادی، زمینه، سال سوم، شماره ۳۳، ۱۳۷۲
- ۵) مرکز مطالعات و پژوهش های بازرگانی، اقتصاد ایران، ۱۳۷۱
- ۶) جهانگرد، امجدیار - صنعت در ایران از گذشته تا حال صنعت و مطبوعات نشریه اختصاصی انجمن مدیران صنایع کشور، آذر ۱۳۷۲
- ۷) عظیمی (آزلی)، دکتر حسین، مدارهای توسعه یافتگی اقتصاد ایران، نشرنی، تهران، ۱۳۷۱
- ۸) مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵
- ۹) عظیمی دکتر حسین، چشم انداز اقتصاد ایران، روزنامه سلام، ۱۹ و ۲۳ اسفند ۱۳۷۲
- ۱۰) اشرف - احمد: موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران
- ۱۱) بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب های ملی ایران، ۱۳۶۹ - ۱۳۵۳. اداره حساب های اقتصادی آذربایجان، ۱۳۷۲.

جدول شماره (۵): وضعیت شاغلین ۱۰ ساله صنایع روستایی طی سالهای ۱۳۶۵ - ۱۳۵۵

سال	شاغلین صنعت روستایی	جمعیت روستایی	کل شاغلین روستایی	نسبت شاغلین صنایع روستایی به کل شاغلین	نسبت شاغلین صنایع روستایی به کل جمعیت روستایی
۱۳۵۵	۷۸۱۶۶	۱۷۸۵۲۰۶۲	۲۶۸۳۲۸۲	۲۱/۹	۱۵/۷۱
۱۳۶۵	۷۸۱۶۶	۱۷۸۵۲۰۶۲	۲۶۸۳۲۸۲	۲۱/۹	۱۵/۷۱
تغییرات	۰	۰	۰	۰	۰

مآخذ: مرکز آمار ایران - سرشماری عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ - تهران

جدول شماره ۶ - ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۹ ارزش تولید، هزینه واسطه، ارزش افزوده گرود صنعت، به نسبت عوامل به قیمت های تابستان سال ۱۳۶۱ (میلیارد ریال) ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۹

سال	تولید	هزینه واسطه	ارزش افزوده	کارگاه های صنعتی کوچک روستایی		کارگاه های صنعتی کوچک شهری		کارگاه های صنعتی کشور
				ارزش تولید	هزینه واسطه	ارزش تولید	هزینه واسطه	
۱۳۵۳	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰	۲۲۵۸۷
۱۳۶۹	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰	۲۲۵۸۷

مآخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - حساب های ایران ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۹، اداره حساب های اقتصادی آذر ۱۳۷۲ ص ۱۷۴ و ۲۳۶